



ماجرای رها شدن شیخ انصاری از طناب ضخیم شیطان

نوه شیخ مرتضی انصاری گفت: آن مرحوم می‌گفت ما وقتی وجوهات را از مردم می‌گیریم می‌گوییم ان شاء الله امام زمان(عج) بپذیرند زیرا این وجوهات متعلق به امام زمان(عج) است پس اگر بیش از طلبگی زندگی کنیم مثل این است که این آب چرک را نوشیده‌ایم.

نوه شیخ مرتضی انصاری گفت: آن مرحوم می‌گفت ما وقتی وجوهات را از مردم می‌گیریم می‌گوییم ان شاء الله امام زمان(عج) بپذیرند زیرا این وجوهات متعلق به امام زمان(عج) است پس اگر بیش از طلبگی زندگی کنیم مثل این است که این آب چرک را نوشیده‌ایم.

به گزارش خبرگزاری مهر، حجت الاسلام والمسلمین محمدحسن انصاری، نوه شیخ انصاری در برنامه ضیافت شبکه قرآن و معارف سیما در رابطه با این عالم بیان داشت: ایشان در ۱۸ ذیحجه سال ۱۲۱۴، در روز غدیر، در دزفول و در خاندانی اهل فضل و ادب به دنیا آمد. نسب شیخ مرتضی انصاری به جابر بن عبدالله انصاری، از صحابه حضرت محمد(ص) می‌رسد. بیان شده است که مادر ایشان هرگز بدون وضو به فرزندش شیر نمی‌داد.

من در سفرهای متعدد 50 مجتهد مسلم دیدم اما هیچ‌کدام به مقامات شیخ انصاری نیستند

وی ادامه داد: ملا احمد نراقی در رابطه با شیخ مرتضی انصاری می‌گفت من در سفرهای متعدد 50 مجتهد مسلم دیدم اما هیچ‌کدام به مقامات شیخ انصاری نیستند، شیخ مرتضی انصاری شاگردان بسیار زیادی را تربیت نمود که بسیاری از آنان، عالمانی نامور و مجتهدانی قوی شدند، از جمله شاگردان ایشان می‌توان به میرزا محمد حسن شیرازی و سید جمال‌الدین اسدآبادی از جمله شاگردان شیخ انصاری بودند.

ملاقات دختر ناصرالدین شاه با شیخ انصاری و خشمگین شدن شیخ به او

نوه شیخ انصاری با بیان این مطلب که شیخ انصاری زندگی بسیار فقیرانه‌ای داشت گفت: يك روز دختر ناصرالدین شاه، برای دیدار شیخ انصاری، وارد منزل وی در نجف اشرف شد، شاهزاده وقتی وضع اتاق را دید، نتوانست احساس خویش را پنهان کند و گفت اگر مجتهد این است، پس حاج ملا علی کنی چه می‌گوید؟ هنوز سخنش تمام نشده بود که شیخ انصاری از جا بلند شد و با ناراحتی فرمود: چه گفتم؟ این کلام کفرآمیز چه بود؟ بلند شو و از نزد من دور شو، حتی یک لحظه هم در اینجا نمان، زیرا می‌ترسم عقوبت تو، مرا هم بگیرد.

وی افزود: دختر شاه از تهدیدات شیخ به گریه افتاد و گفت آقا توبه کردم، نفهمیدم، مرا عفو کنید، شیخ او را بخشید و فرمود تو کجا و اظهار نظر درباره ملا علی کنی کجا؟! او حق دارد و باید آن طور زندگی کند، زیرا در مقابل پدر تو باید همان گونه زندگی کرد، ولی من در میان طلاب و مستمندان هستم باید وضعم و امور زندگیم همانند همین انسان‌ها باشد.

حجت‌الاسلام انصاری در پایان خاطرنشان کرد: آیت‌الله مطهری درباره شیخ انصاری می‌گوید به شیخ لقب خاتم المجتهدین داده‌اند زیرا پس از ایشان کسی نیامده که بتواند مکتب وی را دگرگون کند.

بیایید همگی در درس این جوان حاضر شویم

حجت الاسلام سیدمصطفی میرلوحی، کارشناس و پژوهشگر دینی در ادامه برنامه ضیافت در رابطه با شخصیت شیخ انصاری گفت: ایشان عالم و مجتهد بزرگی بوده است که مرجعیتش جهانگیر بوده روزی مرحوم آیت‌الله کوه کمرهای، نیم ساعتی پیش از شروع تدریس در محل برگزاری کلاس درس خود حاضر و در گوشه‌ای نشسته بود در این هنگام طلبه‌ای را مشاهده می‌کند که به چند طلبه دیگر بسیار عالمانه درس را توضیح می‌دهد.

وی اضافه کرد: فردای آن روز آیت‌الله کمرهای مخصوصاً خود را زودتر به آنجا می‌رساند و متوجه می‌شود که آن طلبه گمنام بهتر از او تدریس می‌کند، وقتی کلاس درس او تشکیل می‌شود رو به جمع کرده، با اشاره به آن طلبه می‌گوید: رفقا! این شخص، درس را بهتر از من می‌گوید و من خود، از او استفاده می‌برم، بیایید همگی در درس ایشان حاضر شویم و آن شخص در حقیقت شیخ مرتضی انصاری بوده است. این داستان علاوه بر علم بالای شیخ انصاری گویای تواضع عالمی مانند آیت‌الله کمرهای است.

این پژوهشگر دینی بیان داشت: مادر شیخ انصاری درباره زندگی فرزندش در زمانی که شیخ مرجع بوده‌اند بیان داشته که ما الان هم که ایشان مرجع اعلی است دقیقاً مانند روزی زندگی می‌کنیم که او در دزفول طلبه بود. خانم ایشان هم روزی در حیات منزل مشغول شستن لباس در تشت بود و در همان حال به شیخ انصاری گلایه می‌کند که چرا با این که زندگی‌مان این قدر سخت است کمی مشکلات را کم نمی‌کنی؟

وی بیان داشت: شیخ انصاری در جواب همسرش به تشت اشاره می‌کند و می‌گوید پول‌ها وجوهات است و این یعنی این پول‌ها متعلق به امام زمان(عج) است ما وقتی پول را می‌گیریم می‌گوییم ان شاء الله امام زمان(عج) بپذیرند پس اگر بیش از طلبگی زندگی کنیم مثل این است که این آب چرک را نوشیده‌ایم.

حجت الاسلام میرلوحی اظهار داشت: روزی همسر شیخ انصاری از او خواست تا چادرشبی برای پوشانیدن رختخواب‌های منزل که شیخ انصاری موقع درس دادن به آن تکیه می‌دادند خریداری کند. شیخ قبول نمی‌کند همسر شیخ، پس از ناامید شدن از جلب موافقت شیخ، در خرید گوشت صرفه جویی می‌کند و در نهایت می‌تواند با بقیه پس انداز پول چادرشبی تهیه کند.

وی تصریح کرد: وقتی شیخ، آن چادر را می‌بیند، چگونگی خرید آنرا پرس و جو می‌کند و بعد با ناراحتی می‌گوید الان فهمیدم که می‌توان با گوشت کمتر هم سر کرد و بعد دستور می‌دهد تا آن چادر شب را پس دهند و پولش را نیز بین مستمندان تقسیم می‌کنند.

ماجرای توسل شیخ انصاری و پناه بردن او به حرم برای فرار از ریاست

وی تأکید کرد: یکی از خصوصیات بزرگان این است که به دنبال ریاست نبوده‌اند، وقتی شیخ محمد حسن نجفی اصفهانی صاحب جواهر استاد شیخ انصاری لحظات آخر را می‌گذرانند همه شاگردان خود را برای انتخاب فرد بعد از خود جمع می‌کند اما هرچه نگاه می‌کنند می‌بینند شیخ انصاری نیست به دنبال او که می‌روند متوجه می‌شوند که شیخ به حرم رفته است و عمامه را به ضریح وصل کرده و به امام(ع) متوسل شده تا ریاست را به او ندهند.

رهای شیخ از طناب شیطان

وی بیان داشت: یکی از شاگردان شیخ انصاری(ره) می‌گوید زمانی که در نجف اشرف و نزد شیخ انصاری به تحصیل مشغول بودم، شبی شیطان را در خواب دیدم که طناب‌های متعددی در دست داشت، پرسیدم: این بندها برای چیست؟ پاسخ داد اینها را به گردن مردم می‌اندازم و آنها را به سمت خویش می‌کشم و به دام می‌اندازم، هرکدام از این طنابها برای یک شخص است زنجیری را دیدم که کلفت بود شیطان گفت: روز گذشته این زنجیر را به گردن شیخ مرتضی انصاری انداختم و او را از اتاقش تا وسط کوچه کشیدم، ولی علی رغم زحمات زیادم، شیخ از قید رها شد و برگشت.

مهمان برنامه ضیافت گفت: وقتی از خواب بیدار شدم، در تعبیر آن به فکر فرو رفتم. پیش خودم گفتم بهتر است که از خود شیخ تعبیرش را بپرسم از این رو، به حضور ایشان رسیدم، خواب خود را که برای ایشان تعریف کردم فرمودند: شیطان راست گفته است، زیرا آن ملعون می‌خواست مرا فریب دهد که به لطف خدا از دامش گریختم.

حجت الاسلام میرلوحی تصریح کرد: شیخ انصاری در تعبیر آن خواب گفت: دیروز، من پول نداشتم، اتفاقاً چیزی در منزل لازم داشتیم، با خود گفتم یک ریال از مال امام زمان(عج) نزد من موجود است و هنوز وقت مصرفش نرسیده است، به عنوان قرض برمی دارم و روزهای بعد ادا خواهم کرد. یک ریال برداشته از منزل خارج شدم، همین که خواستم پول را خرج کنم، با خودم گفتم از کجا معلوم که من بتوانم این قرض را ادا کنم؟ و در همین اندیشه و تردید بودم که تصمیم خود را گرفتم، چیزی نخریدم و به خانه برگشتم و پول را سر جای خود گذاشتم.

وی در رابطه با حالات و اعمال شیخ انصاری بیان داشت: ایشان همیشه مقید بودند که صبح‌ها به حرم امیرالمؤمنین(ع) بروند و بعد از زیارت، زیارت عاشورا را با صد سلام و صد لعن بخوانند.

حجت الاسلام میرلوحی در پاسخ به مجری برنامه ضیافت درباره حال جسمی آیت‌الله مهدوی کنی گفت: خدا رو شکر ایشان بهتر هستند. مسئله بهبود سلول‌های مغزشان کمی کند پیش می‌رود اما روند درمانشان مثبت و روبه رشد است، اتفاقاً بعد از ظهر که می‌خواستیم به برنامه ضیافت بیایم خواب دیدم که ایشان پشت میزشان نشسته‌اند و مبلغی را به من دادند و گفتند

این مبلغ را ببر و به عده‌ای بده.